گذر

باهنر: به برخی کاندیداها باید گفت تو را به حضرت عباس نیا

● **فارس:** محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین گفت: متأسفانه تجربه نشان داده که رؤسای جمهور کشور ما دو یا سه ماه آخر کُر می‌گیرند و کُل می‌کنند. اینکه بشود از یک یا دو یا سه سال قبل برنامه‌ریزی کرد که چه کسی باید رئیس‌جمهور شود کار سختی است؛ چون عوامل انسانی و محیطی برای این امر در کشور ما فراهم نیست.

همین رؤسای جمهور اخیر را هم که نگاه کنیم، هم آقای خاتمی و هم آقای احمدی‌نژاد و هم آقای روحانی، دو ماه مانده به انتخابات کُر گرفتند و بالا آمدند. از قبل کسی پیش‌بینی نمی‌کرد و فقط خود احمدی‌نژاد می‌گفت که من در پاستور هستم و تا سه ماه قبل از آن هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که احمدی‌نژاد پیروز شود.

او افزود: نکته بعد هم اینکه بسیاری از شخصیت‌های مهم و معروف کشور هنوز تکلیفشان روشن نیست و هنوز تصور برخی‌ها این است که ممکن است آقای رئیسی یا آقای قالیباف بیاید یا ممکن است هر دو بیایند و ممکن است آقای محسن رضایی بیاید. اگر هم قرار است شروع کنیم اول باید سمت یک‌سری افرادی برویم و به آنها بگوییم «تو را به حضرت عباس تو یکی نیا».

برای اینکه خیال ملت راحت باشد، من خودم گفتم که نمی‌آیم. اینکه جلسه و کمیته باید تشکیل شود، این کمیته در حال تشکیل‌شدن است و در آستانه تشکیل هستیم و ان‌شاءالله جلسات تشکیل و گفت‌وگوها آغاز می‌شود.

باهنر افزود: تشکل‌ها که من گفتم شناور هستند مثل جمنا که در انتخابات ریاست‌جمهوری بود و بعد به شورای ائتلاف تبدیل شد. ۸۰ درصد همان‌ها هستند و ترکیب و آدم‌ها مقداری عوض می‌شوند و یک اسم جدید هم می‌گذارند. خیلی‌ها از من سؤال می‌کردند که آیا در مجلس یازدهم جمنا کاره‌ای بود یا نه؟ من جواب می‌دادم که جمنا هم هست، هم نیست.

الان هم برای ستادهای آتی باز این را می‌گویند؛ یعنی این‌گونه نیست که ستاد انتخابات مجلس کلا منحل شود و به کنار بروند و عده‌ای جدید بیایند. اشکال این شناوربودن همین است. تا آن آدم‌ها که باید دور هم بنشینند به جمع‌بندی برسند و بعد تازه مدعی‌ها را صدا کنند و با آنها مذاکره کنند و به جمع‌بندی برسند، مقداری فرایند طولانی می‌شود.

باهنر گفت: منهای اصلاح‌طلبان هنجارشکن که دنبال تحریم هستند و تعدادشان هم الان کم شده و دنبال فتنه بودند، اصلاح‌طلبان معتدل یک حُسن نسبت به ما دارند و آن اینکه وقتی میدان را نگاه می‌کنند مقایسه می‌کنند و بر اساس برداشت خودشان می‌گویند ما خوب و خوب‌تر و بی‌تفاوت و بد و بدتر داریم و از بین اینها مقایسه کرده یک نفر را انتخاب می‌کنیم.

دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین افزود: بعضی از دوستان ما می‌گویند اگر یک ذره از اصولگرایی طرف خراطی شده باشد، دیگر باید بیرونش انداخت و باید دنبال کسی برویم که کاملا ناب باشد.

به همین دلیل ممکن است آنها در تحلیل‌هایشان به این نتیجه برسند که روحانی را بر عارف ترجیح دهند، علی‌رغم اینکه عارف تمام سابقه‌اش اصلاح‌طلبی است، آقای روحانی تازه می‌خواهد با اصلاح‌طلبان کار کند.

سخنگوی جبهه پایداری:

بعید نیست جبهه پایداری از آیت‌الله مصباح فاصله گرفته باشد

● **باشگاه خبرنگاران جوان:** مجید متقی‌فر، سخنگوی جبهه پایداری، با اشاره به برخی اظهارات مبنی بر تشکیل جلسه جبهه پایداری با آیت‌الله مصباح‌یزدی در راستای تعیین کاندیدای انتخابات سال ۱۴۰۰ گفت: جبهه پایداری هر زمان که نشست یا جلسه‌ای با آیت‌الله مصباح داشته باشد از طریق سخنگو آن را به‌طور رسمی اعلام خواهد کرد؛ بنابراین نمی‌توان به این اخبار استناد کرد.

او افزود: بعید نیست جبهه پایداری از آیت‌الله مصباح فاصله گرفته باشد. اصولگرایان در انتخابات ۱۴۰۰ سراغ جلیلی نمی‌روند. متقی‌فر در پاسخ به این سؤال که آیا در این انتخابات هم شاهد وحدت اصولگرایی و جبهه پایداری خواهیم بود؟

گفت: وحدت اگر مبنای دینی و ارزشی داشته باشد، حتما ارتقادهنده است؛ اما مبانی آن بسیار مهم است و باید حداکثر تلاش خود را انجام دهیم تا این وحدت آسیب‌زا نباشد.

عادی‌سازی رابطه امارات متحده عربی با اسرائیل در گفت‌وگو با نصرت‌الله تاجیک، دیپلمات بازنشسته

بلندپروازی‌های محمد بن‌زاید برای تسلط بر ۷ امارت

می‌توان گفت عادی‌سازی رابطه امارات متحده عربی و اسرائیل پیش‌بینی‌پذیر بود؟ نشانه‌هایی قبل از اعلام آن دیده می‌شد؟

عادی‌سازی رابطه امارات با رژیم صهیونیستی دارای ابعاد مختلفی است. پیش‌بینی‌پذیربودن این موضوع از منظر اطلاعاتی یا رسانه‌ای و سیاسی با هم تفاوت دارند. سابقه این موضوع به کمپ‌دیوید در سال ۱۹۷۹ برمی‌گردد که سلسله کشورهایی شروع کردند به ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی. قرارداد وادی عربه در سال ۱۹۹۴ با اردن و توافق بین مصر و رژیم صهیونیستی در همان سال مقدماتش بود؛ اما جسته‌وگریخته خبرهایی به رسانه‌ها درز می‌کرد که رژیم صهیونیستی بعد از این مرحله سلسله روابطی را دارد؛ ازجمله روابطش با قطر و ایجاد دفتر اقتصادی در آن کشور که امر پنهانی نبود. رابطه عمانی‌ها با آنها هم همین‌طور. بحرینی‌ها هم ارتباطاتی داشتند و هیئت‌هایی را تبادل کردند. به عقیده من با خیزهایی که محمد بن‌زاید در امارات برداشته و با توجه به مسائل داخلی‌ای که دارد، اهداف خارجی و جاه‌طلبی‌ها و اقداماتی که چند وقت پیش در سوریه و لیبی و به‌ویژه یمن انجام داد، از نظر تحلیلی می‌شد گفت ممکن است چنین اتفاقی یک روز بیفتد. روابط پنهانی هم بود و اغلب مورد رصد سازمان‌های اطلاعاتی بود. بعضی از این موارد پنهان به مطبوعات هم درز پیدا می‌کرد. پنج سال قبل در کمپین انتخاباتی ترامپ برای ریاست‌جمهوری آمریکا، اماراتی‌ها و سعودی‌ها از طریق برخی شرکت‌های اسرائیلی در آمریکا سلسله هزینه‌هایی به نفع ترامپ انجام داده‌اند. اینها نشان می‌داد که روابطی وجود دارد و سلسله تحولاتی هست؛ اما اینکه الان چرا مطرح می‌شود، یکی دیگر از ابعاد قضیه است و به عقیده من شاید بعد تعیین‌کننده‌ای باشد که دقت کنیم چرا در این مقطع و به این شکل ضرب‌الاجل مطرح می‌شود. در چنین موقعیتی که ترامپ در سیاست خارجی‌اش اوضاع بدی دارد و در داخل هم با مسائل کرونا و... درگیر و طبق نظرسنجی‌ها از رقیبش بایدن عقب است، به عقیده من باخت ترامپ برای اماراتی‌ها و به‌ویژه بن‌زاید کابوس است. محمد بن‌زاید، ولیعهد امارات و محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان، سال ۲۰۱۵ تمام تلاش‌شان را کردند که ترامپ رأی بیاورد و دوران اوباما را از سر بگذرانند. هزینه‌های زیادی کردند و دنبال این بودند که در دوران ترامپ به‌نوعی نسخه ایران را بپیچند؛ اما با این وضعیت در سلسله تحولاتی که در خلیج فارس رخ داد، نظیر ساقط‌شدن پهپاد آمریکایی، برایشان شوکه‌کننده بود که می‌دیدند تمام امیدشان بر باد رفته و دنبال این بودند که ایران و آمریکا را رودرروی هم و در جنگ قرار دهند. درحالی‌که الان پهپاد ترامپ ساقط شده و چون کار غیرقانونی کرده، کاری از دستش برنمی‌آید. در این شرایط دنبال این هستند که پاس گل خوبی بدهند؛ اما به نظر من پاس گل بی‌فایده است؛ چون گل نخواهد شد و بعید می‌دانم این اقدام، تبعات مثبتی برای محمد بن‌زاید داشته باشد و برنده باشد.

آن‌طور که پیش‌بینی می‌شد، ایران واکنش تندی نشان داد و امارات هم در واکنش به آن، کاردار سفارت ایران را فراخواند و یادداشت اعتراضی داد. صلاح در چیست؟ این تندی ادامه یابد یا نه؟

من موافق واکنش تند ایران نبودم. اگرچه نمی‌گویم این اقدام هیچ است؛ اما تنها خاصیت کار محمد بن زاید، قفل‌زدایی رابطه اعراب یا مسلمانان با رژیم صهیونیستی است و بعید می‌دانم وزن زیادی داشته باشد. اماراتی‌ها تلاش دارند از طریق بلندپروازی‌های محمد بن زاید وارد گردونه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی شوند. آنها فکر می‌کنند قطر چون با رسانه الجزیره و درآمد هنگفت نفتی توانسته در منطقه یا تحولات منطقه‌ای جایگاه پیدا کند، آنها هم می‌توانند. مخصوصا در صحنه سوریه که امارات با هزینه گزافی که خرج گروه‌های تروریستی نیابتی یا جنگجویان وارداتی در سوریه کرد، به نظرم از این طریق می‌توانند سلسله نقش‌پذیری‌هایی داشته باشند اما به عقیده من چون ظرفیت و قدرت و انسجام ملی و آنچه به قدرت نرم و سخت برمی‌گردد، تماما در امارات وجود ندارد، بعید می‌دانم این اقدامات خیلی مفید باشد. بنابراین پیشنهاد من از ابتدا این بود که می‌توانستیم (می‌توانیم) ضمن حساسیت نشان‌دادن به همین قفل‌زدایی بدون اینکه بخواهیم اوضاع منطقه را متشنج کنیم، پیش برویم. با توجه به اهداف و اقدامات ترامپ در زمینه قطع‌نامه ۲۲۳۱ و نزدیک‌شدن به اکتبر و پایان‌یافتن موعد تحریم‌های تسلیحاتی ایران تا جایی که می‌توانیم باید منطقه را آرام نگهداریم. این اعلام عادی‌سازی رابطه، تأثیری استراتژیکی در مسائل منطقه و صحنه بین‌المللی ندارد. به عقیده من بیشتر رابطه‌ها پنهانی بوده و رژیم صهیونیستی مخصوصا نتانیاهو برای اینکه کسب امتیازی داشته باشد و بتواند صحنه داخلی را مدیریت کند یا صحنه منطقه‌ای را در دست داشته باشد و همین‌طور ترامپ، برای اینکه از این دست موضوعات سود می‌برد، آن را این‌قدر رسانه‌ای کردند. ولی سودبردن آنها به ضرر منافع ملی ما به آن مفهوم نیست که بخواهیم عکس‌العمل تند نشان دهیم. با کشورهای منطقه، همسایه هستیم و باید تا جایی که ممکن است، حسن هم‌جواری داشته باشیم؛ مخصوصا ما که مشکلات عدیده‌ای در ارتباط با آمریکا و رژیم صهیونیستی داریم، باید تا جایی که می‌توانیم این اوضاع را مدیریت‌شده و آرام نگه داریم و اقدامی نکنیم که صحنه داخلی منطقه به ضرر ما و به نفع رژیم صهیونیستی متشنج شود. بنابراین من موافق شروع حرکات تند نبودم. الان ارزش‌گذاری هم نمی‌کنم که اقدامات انجام‌شده تند است یا نه؛ اما از روز اول پیشنهادم این بوده که سعی کنیم این مسئله را به امنیت ملی‌مان گره نزنیم. ما به آمریکا انتقاد می‌کنیم که بی‌دلیل امنیت رژیم صهیونیستی را به امنیت ملی‌اش گره زده. ما هم نباید آن را به امنیت ملی کشورمان گره بزنیم. بعید است محمد بن‌زاید بدون مشکلات بتواند این قضیه را جلو ببرد. این تبعات باعث می‌شود این قضیه راحت‌الحلقوم هم نباشد. بنابراین من با ادامه تندی هم موافق نیستم. کانال‌های دیپلماتیک اتفاقا باید بیشتر با هم گفت‌وگو کنند. نباید کاری کنیم که یکباره موضوع از دستمان در برود؛ چون اگر از دست در برود، برد دوم رژیم صهیونیستی است. صهیونیست‌ها الان یک برد دارند که با یک کشور عربی رابطه علنی دارند و به نظرشان به همسایگی ما آمده‌اند، نباید برد دیگرشان این باشد که ما با اماراتی‌ها بر سر این قضیه کدورت داشته باشیم. چه‌بسا آمدن رژیم صهیونیستی به کشورهای نزدیک ما علاوه بر اینکه آسیب‌پذیری محمد بن‌زاید را بیشتر می‌کند، نه‌تنها درگیری ما و رژیم صهیونیستی را به داخل امارات می‌کشاند، بلکه رژیم صهیونیستی را هم به نوعی در تیررس ما قرار می‌دهد. اینها می‌توانند مجموعه‌ای از نکات مثبت و منفی باشد و اینها را باید واکاوی کرد به طراحی‌هایی که معمولا دیپلمات‌ها در وزارت خارجه مطرح می‌کنند یا طراحی‌هایی که دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی صورت می‌دهند و خیلی وارد این قضایا نشویم و اجازه دهیم آرام جلو برود.

این امکان وجود دارد که در داخل یا خارج از منطقه، کشورهایی عادی‌سازی را شروع کنند؛ اما به عقیده من این روندی است که رژیم صهیونیستی و آمریکا روی آن سرمایه‌گذاری زیادی کرده و تلاش می‌کنند این مسائل و مشکلات را حل کنند. بعید می‌دانم حتی اگر حکومت‌ها هم جسته‌وگریخته راضی باشند، تحت فشارهای مردمی بتوانند خیلی اقدام ویژه‌ای کنند

رابطه ایران با همسایگان در منطقه خلیج فارس آن‌طور که لازم بود بهبود نیافته است؛ موضوع رابطه امارات و اسرائیل، پتانسیل این را دارد که به بستر تنش بین ایران و ابوظبی تبدیل شود؟

متأسفانه ما در منطقه‌ای توسعه‌نیافته زندگی می‌کنیم. هیچ کشوری همسایگانش را انتخاب نمی‌کند ولی میزان رشدیافتگی و توسعه‌یافتگی کشورها می‌تواند در توسعه کشورهای دیگر مؤثر باشد. با این حرف آقای علی مطهری که فرمودند ما مقصر بودیم، کاملا مخالف هستم. ما مقصر نبودیم. ظرفیت کشورهای دیگر هم کم است و مهم‌تر از همه وضعیت کشورها از توازن خارج شده و اختلاف خیلی زیاد است. مثلا یک طرف با عمق ژئوپلیتیکی و سیاسی و تاریخی قوی با میزان تأثیرگذاری بالاست و طرف دیگر کشورهای کوچک. باید از قدرتمان خوب استفاده کنیم و به‌گونه‌ای از قدرت خشن و لخت استفاده نکنیم که باعث ترس کشورها باشد. اینکه در رابطه اسرائیل و امارات ما مقصر هستیم، به عقیده من بفهمی‌نفهمی کج‌سلیقگی است و تبعات اینکه ما چنین چیزی بگوییم، به عقیده من قابل جمع‌کردن نیست؛ اما این هم نظری است و فرد محترمی گفته. با این حال به عقیده من در این منطقه با این شرایط زندگی می‌کنیم و موقعی که در سال ۲۰۱۶ به سمت حل مشکلات جامعه جهانی و برجام رفتیم، همان زمان کشورهای منطقه ازجمله امارات و سعودی‌ها هزینه هنگفتی کردند که برجام به شکست بینجامد و ما نتوانیم مسائلمان را با جامعه جهانی حل کنیم. در چنین شرایطی می‌توانستیم حداقل در طراحی‌هایمان مدنظر داشته باشیم که فقط و فقط مسئله ما با جامعه جهانی نیست. ما چنین همسایگانی داریم که علاقه‌مند نیستند مشکلاتمان را با جامعه بین‌المللی حل کنیم. در این راستا باید طراحی مناسبی می‌داشتیم؛ با توجه به این واقعیات به‌گونه‌ای عمل کنیم که تا حد ممکن جذب حداکثری داشته باشیم؛ اما هم این نشد، هم ترامپ با اقدامات برهم‌زننده و موج‌آفرین که در جهت اهداف و نیازهای خودش به دنبال مسائل است. در این شرایط نتوانستیم رابطه معقول و منسجم پیدا کنیم. تبعات مسائل بهار عربی از ۲۰۱۱ هم همچنان ادامه داشت، تحولات منطقه نیز همین‌طور. مسائل عراق، سوریه و کمک‌های ما به حذف داعش از صحنه خاورمیانه باعث شد نتوانیم یک رابطه معقول، پایدار و مستحکم را با همسایگانمان داشته باشیم؛ اما اینکه این امر بتواند پتانسیل ایجاد تنش باشد، بعید می‌دانم. به‌هرصورت کشورهای مختلف امیال و نیازهای مختلفی دارند. این‌طور نیست که هرکدام از اینها اگر با هم فرق کند منطقه به سمت تنش می‌رود. بعید می‌دانم سطح تنش و درگیری‌های رسانه‌ای تبلیغی در این حد که شده، بالاتر برود و دل‌نگرانی ایجاد کند.

ممکن است شیخ‌نشین‌های دیگر امارات متحده به این تصمیم نپیوندند؟

درباره پیوستن شیخ‌نشین‌های دیگر امارات، هنوز قرائن اطلاعاتی یا اطلاعات دقیق میدانی نداریم، ولی قرائنی وجود دارد که محمد بن‌زاید مبسوط‌الید نیست و نبوده. مثلا فرض کنید در حمله به پهپاد آمریکایی که بعد از حادثه فجیره بود، گفته شد برخی از حکام امارات مخصوصا شیخ محمد بن‌راشد آل‌مکتوم، حاکم دوبی و نخست‌وزیر امارات، از بن‌زاید گله داشتند که ضدیت شما با ایران به نفع ما نیست. در مجموع گفته شد پرونده ایران را شیخ محمد گرفت و گشایش‌هایی هم در بخش‌های اقتصادی و مسائل مالی و تبادل ارز و صرافی‌ها بین ایران و امارات صورت گرفت؛ اما درباره این موضوع هنوز چیزی درز نکرده است. در مجموع احساس می‌کنم حکام امارات یکدست نیستند و چون ضربه‌پذیری‌ها و ظرفیت هرکدامشان با دیگری متفاوت است، احتمال اینکه همه حکام موافق چنین کاری که ایشان کرده نباشند، هست و چیزی که من به‌عنوان هدف مهم محمد بن‌زاید تلقی می‌کنم و از آن به‌عنوان پاس گل یاد می‌کنم، به این دلیل بود که محمد بن‌زاید در دوره اول نتوانست به اهدافش در مقابل ایران برسد، هدفش این است که در دور دوم بتواند فشار حداکثری ترامپ بر ایران را افزایش دهد و مشکلاتی برای ایران فراهم شود تا محمد بن‌زاید در دور دوم بتواند با سرمایه‌گذاری‌اش در دقیقه ۹۰، درحالی‌که چنین امتیازی را به ترامپ می‌دهد، سلطه خودش را بر سایر حکام محقق کند تا به‌عنوان حاکم بلامنازع امارات شناخته شود. به نظر می‌آید بحث ارتباط امارات و رژیم صهیونیستی در دوران محمد بن‌زاید فقط منحصر به این قضیه نیست، بلکه اهداف دیگری یا حداقل کارکردهای دیگری برای محمد بن‌زاید داشته باشد.

برخی معتقدند به دنبال عادی‌سازی رابطه بین امارات و اسرائیل، حضور اسرائیل در همسایگی ایران و در خلیج فارس رقم می‌خورد. این حضور می‌تواند چه ضررهایی برای ایران و منافعش در خلیج فارس داشته باشد؟

اگرچه تأکید دارم که حساس نباشیم، اما می‌گویم بیش از حد حساس نباشیم. به عقیده من، الان رژیم صهیونیستی در شمال و شمال غرب ما در کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان و کردستان عراق حضور دارد. رژیم صهیونیستی از قبل وارد حوزه امنیتی ما شده و الان امر اضافه‌ای به وجود نیامده و نخواهد آمد. بنابراین بی‌ضرر نیست؛ اما اینکه بخواهیم این قضیه را با امنیت ملی پیوند دهیم، نه صحیح است و نه ضرورتی دارد. بااین‌حال طبیعی است که نمی‌تواند در جریان‌سازی علیه ما و از جهت ایجاد مشکلات بی‌تأثیر باشد.

سوی دیگری از بحث به موضوع جهان اسلام مرتبط و به تعبیر امارات با طرح صلح آمریکایی همراه شده است. به نظر می‌رسد هر روز بیشتر از صلحی که جنبش‌های فلسطینی نزدیک به ایران دنبال می‌کنند، دور می‌شویم؛ این برداشت درست است؟

از نکات منفی این قرارداد یا تفاهم، این است که مسائل فلسطین را قطبی (یا بیشتر) قطبی می‌کند. وقتی فلسطینی‌ها از اعراب که نزدیک‌ترین هم‌پیمانانشان هستند، ناامید شوند، طبیعی است که دوباره به کس دیگری دخیل نمی‌بندند. تاکنون فلسطینی‌ها امیدوار بودند با کمک کشورهای اسلامی و عربی بتوانند از پس رژیم صهیونیستی بربیایند؛ الان می‌فهمند باید دست روی زانوی خودشان بگذارند و انتظاری از چنین حکومت‌هایی نداشته باشند. این برای سیاست خارجی ما مفید است؛ اینکه فلسطینی‌ها بدانند چه کسی به آنها علاقه‌مند و چه کسی دشمنشان است. اما به نظرم این اتفاق ممکن است آن‌چنان که فکر می‌کنیم، موجب دورشدن از حل مسئله فلسطین نشود. به نظرم اینکه فلسطینی‌ها به خودشان اعتماد داشته باشند، موجب افزایش توانمندی‌هایشان می‌شود و این یک نکته مثبت است که می‌توانند از آن برای مقابله با رژیم صهیونیستی استفاده کنند.

ممکن است کشورهای دیگری از منطقه خلیج فارس نیز به‌زودی به عادی‌سازی رابطه با اسرائیل بپیوندند؟

این امکان وجود دارد که در داخل یا خارج از منطقه، کشورهایی عادی‌سازی را شروع کنند؛ اما به عقیده من این روندی است که رژیم صهیونیستی و آمریکا روی آن سرمایه‌گذاری زیادی کرده و تلاش می‌کنند این مسائل و مشکلات را حل کنند. بعید می‌دانم حتی اگر حکومت‌ها هم جسته‌وگریخته راضی باشند، تحت فشارهای مردمی بتوانند خیلی اقدام ویژه‌ای کنند. به‌هرحال رژیم صهیونیستی خوشنام نیست و به نظرم خیلی نباید نگران بود. کار محمد بن‌زاید را خیلی‌ها تحلیل کردند که به‌نوعی استفاده ابزاری و فرصت‌طلبانه است و درصدد است به کمپین انتخاباتی ترامپ کمک کند؛ اما بیش از آنکه تبعات منفی برای مسئله فلسطین داشته باشد، تبعات منفی برای خودش دارد. حتی اگر دلسوز فلسطینی‌ها بود و می‌خواست امتیازی هم بدهد...

ادامه در صفحه ۷

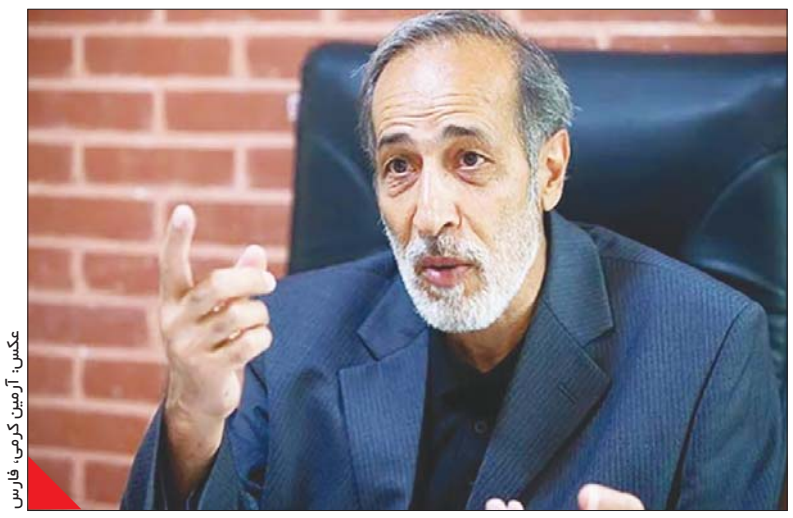

عکس: آرمین کرمی، فارس

زینب اسماعیلی

آنچه بین ایران و امارات متحده عربی بر سر عادی‌سازی روابط با اسرائیل رخ داده، پیش‌بینی‌پذیر بود. موضع‌گیری تند ایران در سطح سخنگوی وزارت امور خارجه و برخی مقامات دولتی و حکومتی و واکنش آنها در سطح فراخواندن کاردار ایران به وزارت خارجه و دادن یادداشت اعتراضی به آنچه دخالت در امور داخلی خواندند. اما مهم‌تر اینجاست که این بحث بیش از این دامنه پیدا نکند که البته در بخشی می‌توان امیدوار بود و اما در بخش دیگر چندان نمی‌توان به آن خوش‌بینانه نگریست. می‌توان امیدوار بود که جمهوری اسلامی ایران بیش از این به موضوع حساسیت نشان ندهد تا در چند جبهه بتوان درست پیش رفت. بستر منطقه‌ای ایران، به اندازه کافی متشنج است و رابطه همسایگان خواسته یا ناخواسته با ما، در شرایطی است که بهتر است تنش جدیدی به آن افزوده نشود. همچنین سطح تبادل تجاری بین ۱۳ تا ۱۴ میلیارددلاری بین ایران و امارات، عددی است که در این تنگنای تحریم نباید از دست برود. از سوی دیگر گفته می‌شود بیش از صد هزار نفر تبعه ایرانی در امارات متحده عربی زندگی می‌کنند که برخی حتی این عدد از تبعه را که شامل مهاجرت‌های غیررسمی می‌شود، بالغ بر ۴۰۰ هزار نفر می‌دانند. طبیعتا این پارامترها نباید تحت تأثیر قرار گیرد و سیاست خارجی پیش از هر تصمیم‌گیری باید به این نقاط توجه کند. اما بخش غیرخوش‌بینانه موضوع آنجاست که با چنین توافقی اسرائیل بیش‌ازپیش به مرزهای ایران نزدیک می‌شود و ازاین‌پس امکان احداث نمایندگی، سفارتخانه و اعزام هیئت‌های مختلف به‌سادگی صورت خواهد گرفت که هرکدام آنها در شرایطی که در آن قرار داریم، می‌تواند نگران‌کننده باشد. «یوسف العتیبه»، سفیر امارات متحده عربی در واشنگتن، در همان روزهای اعلام عادی‌سازی رابطه امارات و اسرائیل، در یادداشتی در روزنامه یدیعوت احرونوت چاپ اسرائیل با عنوان الحاق یا عادی‌سازی روابط نوشت: بهبود روابط دوجانبه در ادامه طرح صلح آمریکا موسوم به معامله قرن است. او رابطه کشورش با اسرائیل را گرم توصیف کرده و وجود ارتباط مستمر و سازنده با دولت واشنگتن را نقطه عطف هر دو کشور برای ایجاد همکاری‌های مشترک می‌داند. العتیبه در ادامه می‌نویسد: از این پس امارات درهای خود را بر روی دیپلمات‌های اسرائیلی می‌گشاید؛ چراکه اسرائیل می‌تواند از این فرصت تاریخی برای ایجاد کانال‌های ارتباطی یا ترمیم با منطقه و دنیا استفاده کند. اگرچه پیش از آن سلطان قابوس، پادشاه متوفی عمان، نقطه اوج رابطه با اسرائیل را با میزبانی از نتانیاهو در کاخش به منصه ظهور رسانده بود، اما هیچ‌گاه تا به این اندازه رژیم اسرائیل در نزدیکی ایران و مرزهایش دیده نمی‌شد. این در حالی است که خلیج فارس و دریای عمان، منطقه‌ای استراتژیک برای ایران است و با تحولات جدید، امنیت این منطقه بیش‌ازپیش اهمیت پیدا می‌کند. مسائلی را که دراین‌باره مطرح است، با نصرت‌الله تاجیک، دیپلماتی که در اردن سفیر بوده و سال‌هاست حوادث منطقه به‌ویژه اسرائیل را با دقت رصد می‌کند، به بحث گذاشتیم. تاجیک معتقد است نباید به این تصمیم حساسیت چندانی نشان داد، اما نباید هم از تحولات غافل شد. او این معامله را در قالب بلندپروازی‌های محمد بن‌زاید، ولیعهد امارات، می‌بیند که در طراحی‌هایی این‌چنین دست‌کمی از محمد بن‌سلمان ندارد.

روزنه

گزارش قاضی پرونده ربودن امام موسی صدر

● **قاضی حسن شامی، گزارشگر کمیته رسمی بیگیری پرونده ربودن امام موسی صدر:** می‌پرسند راز این مرد چیست؟ چه در دوران حضورش و چه در دوران غیبتِ «تحمیلی و غریبش». پاسخ من این است: راز، در «تفاوت»های اوست عزیزان. معاصرانش این «تفاوت» را لمس می‌کردند و نسل‌های بعدی نیز با خواندن سیره و سرگذشتش به آن پی خواهند برد. این تفاوت‌های تعیین‌کننده در همه زمینه‌هاست: عقل روشن و روشنگر، پذیرفتن دیگران به همان‌سان که هستند، قرین ساختن حرف و عمل، پاکی بی‌کرانه، دعوت همگان به اعتدال و گفت‌وگو، هم برادران و همکاران و هم دوستان و همسایگان و به فرموده امیرالمؤمنین «هم‌سانان در خلقت» را (طبیعتا غیر از اسرائیل که شر مطلق است). برخی می‌پرسند می‌خواهید باروکنیم تمام این مدت واقعا منتظر بوده‌اید؟! عجبا! حال که ما حداقل سه زندان پیشین موسی صدر را در مناطق جَنزور و سَبها و مکتب‌النصر شناسایی کرده‌ایم و دیده‌ایم، دست برداریم؟!

احمد زبیر سنونی ۳۵ سال در زندان‌های مخفی قذافی به سر برد و سال ۲۰۱۱ درحالی‌که بیش از ۹۰ سال سن داشت، آزاد شد. حال که او و بسیاری از موارد مشابه را دیده‌ایم، ناامید باشیم؟! دیگری می‌پرسد تا الان چه کرده‌اید؟ آیا حقیقتی را از مردم پنهان می‌کنید؟ پاسخمان این است که ما به لیبی، یعنی میدان اصلی فعالیتمان و هر جا که می‌شد، سفر کردیم تا مگر به خبر، سند، شاهد، اطلاعات یا حتی یک روایت تقریبا کامل دست پیدا کنیم. اگر بخواهم وضعیت امروزمان را بیان کنم باید بگویم: ما فقط و فقط زندان فعلی ایشان را پیدا نکرده‌ایم. به جز این، هیچ واقعیت دیگری برای ما ثابت نشده است که پنهانش کرده باشیم و منفعتی نیز در کتمان‌کردن یا دروغ‌گفتن نداریم. ما الحمدلله دروغ نمی‌گوییم زیرا پیامبر(ص) ما را از این آفت نهی کرده است و توصیه خود موسی صدر نیز صداقت و صراحت و رعایت عدالت، هم در وسیله و هم در هدف است. و برخی، از اخبار و تحلیل‌ها و شایعات می‌پرسند... شما را به خدا آیا می‌توان سخن کینه‌توزانی را باور کرد که جز نابودی یاد این امام مظلوم هیچ دغدغه‌ای ندارند؟! از نسل‌های قبلی بپرسید چه کسانی از موسی صدر کینه به دل دارند. چون او با منش صواب و درستش نشان داد که آنان، مردم و فقرا و حقوقشان و دلبستگی به لبنان و یاری جنوب تحت اشغال را بازیچه و دستمایه تجارت خود کرده‌اند و در پایان نیز خود موسی صدر هزینه جلوگیری از تبدیل‌شدن جنوب به سرزمینی سوخته، یا حداقل میان درگیری را پرداخت. بگردید و ببینید چه کسی سال ۲۰۰۵ با گستاخی تمام نوشت: «ما از موسی صدر دلخور بودیم چون در جنگ داخلی مشارکت نکرد و ستاره‌ای بر فراز همه فرقه‌ها بود». اگر این مقاله را و روزنامه دوستش را پیدا کردید، آن وقت بسیاری مسائل برایتان روشن خواهد شد. ما در تحقیقاتمان پی بردیم که برخی افراد آرزو داشتند موسی صدری در میان نباشد و آرمانش و نامش و عکس‌هایش و اصولش و همه ادبیات «انسانی»اش از میان برچیده شود. آن هم به یک علت ساده: چون با آنها در تناقض است و البته با حامی مالی‌شان، یعنی معمر قذافی که مجلس سنای ایتالیا نیز به صورت رسمی بر این موضوع صحه گذاشت. افزون بر این، قذافی وارثانی نیز دارد و هنوز افرادی هستند که بر نفاق خود استوار مانده و دوست دارند جیب‌ها و خزانه‌هایشان را پرتر کنند. برخی دوستان نیز می‌پرسند آیا از تهدیدها نمی‌ترسید؟ به‌ویژه پس از باداشت هانیبال در لبنان؟ و ما می‌گوییم اگر می‌ترسیدیم پرچمدار این قضیه مقدس نمی‌شدیم و اعضای این هیئت هر روز و هر لحظه بدون چشمداشت آماده فعالیت نبودند و شور غسان، ابراهیم، محمد، مرشد، فؤاد، جوزف، شادی، مریم، سامر، سمیح، رائد، هیثم، حسن، محمد، وسیم، علی و خالد[1] از من بیشتر نبود. من اگر از هدف دست بردارم از وصیت محمدعلی حسینی و نمر الشامی[2] تخلف کرده‌ام و رضا و حلا و رجا[3] مرا مقصر خواهند دانست. یادآوری می‌کنم که مبادا کسی با این حرف شما را بفریبد که هانیبال هنگام ربایش امام بچه بوده است. چه کسی گفته او به این سبب ساده‌لوحانه تحت تعقیب بوده است؟! صورت‌جلسه‌های بازپرس او در این موضوع حق مطلب را ادا کرده است و با قانون نیز انطباق کامل دارد و بالاتر از همه اینها اصرار همه ما بر آلوده‌نشدن به ظلم است. ما پیروان «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» هستیم. اما این به معنای حکم برائت برای کسی نیست که اطلاعاتش را درباره جرم کتمان کرده و مشارکت پسینی در جرم مستمر آدم‌ربایی دارد. و سخن آخر اینکه، ای علاقه‌مندان امام، مرا ببخشید. تا روزی که ایشان در کنار دو همراهشان پا به فرودگاه شهید رفیق حریری بیروت نگذارند من مقصرم و نمی‌توانم در چشمان صدری و حورا و حمید و ملیحه نگاه کنم. حتی ممکن است مادرشان، همسر امام که امیدوارم خدا شفایش بدهد و در این صبر هولناک یاری‌اش دهد، مرا نبخشد. خداوند او را پاداش خیر دهد که حاصل تربیت او فرزندانی همچون پدر است. در هر صورت ما در تیم پیگیری در محضر خداوند با خودمان عهد بسته‌ایم که ناامید نشویم. چنین کلمه‌ای در قاموس ما نیست. العکس: ما وقتی می‌بینیم نبیه بری لحظه به لحظه حامی و پیگیر جزء‌به‌جزء فعالیت‌های ماست قوت قلب می‌یابیم. ما سرسختیم و پشت‌سر بزرگانی مثل رَمزی جُرَیج، بَسام دایَه، فایز حاج شاهین و شبلی ملاط[4] در حرکتیم. ما می‌دانیم که در هر روز از این ۴۲ سال، «تفاوت»های امام با دیگران هویدا و آشکارتر شده است.

خدایا اگر چیزی را فراموش کردیم بر ما خرده نگیر... که تو بر ضمیر خلایق آگاهی. منتظر تصاویری باشید که روزهای آینده برای اولین‌بار منتشر خواهند شد. ۱- نام برخی اعضای کمیته رسمی پیگیری پرونده ربودن امام موسی صدر و دیگر حامیان و همکاران. ۲- اعضای جنبش امل و از شهدای نخستین مقاومت در برابر اسرائیل. ۳- نام فرزندان قاضی حسن الشامی.

۴- نام برخی وکلای پرونده ربودن امام موسی صدر.